

لنگیدن یک ملک با دیوانگی تیمور لنگ

۲۶ دی ۱۳۹۴ ساعت ۲۱:۰۶

یکی از شگفت‌انگیزترین ویژگی‌های "تیمور"، فتوحات او در سنین بالاستتیمور از ابتدای جوانی، هیچ نقش جدی و مهمی در تاریخ تحولات منطقه خود نداشته؛ گویی تنها نظاره‌گر حوادث بوده‌است و به دقت به تحولات داخلی ایران می‌نگریست و مواظب اختلافات موجود میان شاهان و سردستگان ایرانی و مغول بود. او منتظر فرصت مناسب بود و به دقت برنامه‌هایش را تنظیم کرده بود.

در شعبان سال ۷۳۶ هجری (۷۱۵ شمسی - ۱۳۳۲ میلادی) در منطقه ماورالنهر و در محلی به نام «کش» فرزندی متولد گردید که نامش را "تیمور" نهادند که بعدها از نامداران و نام آوران جهان شد و آوازه جهانگیری و فتوحات او در دنیای آن روزگاران طنین‌انداز گردید. پدر وی "امیر طراغای" و نام قبیله ترک زبانش «برلاس»؛ شاخه‌ای از اقوام تاتار بود "تیمور" که در زبان ازبکی معنی «آهن» می‌دهد به «لنگ» و «گورکان» ملقب بوده است. به طور کلی سالهای نخستین زندگی تیمور تا پیش از به قدرت رسیدن تا حدی در بوته ابهام است، اما آنچه روشن است اینکه در اوایل نیمه دوم سده هشتم میلادی ماورالنهر صحنه آشفته رقابتهای میان امیران مختلف بوده و "تیمور" نیز در چنین فضایی اندک اندک خود را به حلقه قدرتمندان نزدیک ساخته سرانجام بدل به امیری قدرتمند و توانا گردید. یکی از شگفت‌انگیزترین ویژگی‌های "تیمور"، فتوحات او در سنین بالاستتیمور از ابتدای جوانی، هیچ نقش جدی و مهمی در تاریخ تحولات منطقه خود نداشته؛ گویی تنها نظاره‌گر حوادث بوده‌است و به دقت به تحولات داخلی ایران می‌نگریست و مواظب اختلافات موجود میان شاهان و سردستگان ایرانی و مغول بود. او منتظر فرصت مناسب بود و به دقت برنامه‌هایش را تنظیم کرده بود. تنها در سنین حدود پنجاه سالگی است که ناگاه این چشمه خروشان به جوشش در می‌آید و بخش بزرگی از دنیای آن زمان را فتح می‌کند و به خاک و خون می‌کشد. فتح بلخ توسط او در سال ۷۷۱ هـ.ق را می‌توان نقطه آغاز سلطنت او بر شمرد، به گونه‌ای که در روز چهارشنبه ۱۲ رمضان سال ۷۷۱ هـ.ق در بلخ امیران بر سلطنت او متفق و هم‌رای شدند و او را بر تخت پادشاهی نشستپس از این رخداد، "تیمور" رو به سوی سمرقند نهاد و آن شهر را به پایتختی برگزید. لشکرکشی‌ها پی‌پی "تیمور" به ایران از سال ۷۸۳ هـ.ق و با حمله به هرات و فتح آن شروع شد در حالیکه پیش از این ماورالنهر را به زیر سیطره خویش آورده بود و تهاجمات پی‌پی به خوارزم و مغولستان و دشت قباچاق داشتپس از هجوم به هرات، او سه یورش و تهاجم گسترده را به ایران انجام داد که اصطلاحاً به یورشهای سه ساله، پنج ساله و هفت ساله مشهور شده است. در یورش سه ساله که از سال ۷۸۸ هـ.ق با گذر لشگریان "تیمور" از رود جیحون آغاز گردید، آذربایجان، لرستان، گرجستان، شیروان، اصفهان و شیراز فتح شد و در سال ۷۹۰ هـ.ق با بازگشت "تیمور" به سمرقند خاتمه یافت. در این یورش و هجوم عظیم، "تیمور" به هر منطقه‌ای که پای نهاد مردم را فقط در صورت برگرفتن مال فراوان به جان امان می‌داد و در غیر این صورت و

مشاهده مقاومت ، جان و مال مردم را مباح اعلام داشتبه عنوان نمونه در پاییز سال ۷۸۹هـ.ق و به هنگام فتح اصفهان "تیمور" فرمان داد که «مسلمان و اهل ذمت را یکسان انگارند و به دست دژخیم مرگ از میان بردارند.» و در نتیجه سپاهیان دست به کشتار مردم زدند و حداقل هفتاد هزار نفر را کشتند و از سرهای کشته ها در مواضع متعدد مناره ها ساختند. یورش ۵ ساله نیز در سال ۷۹۴هـ.ق آغاز شد که در وهله نخست برای فرونشاندن طغیانهایی بود که بر علیه "تیمور" و سلطه او برخاسته بود در این یورش او گرگان، مازندان ، شیراز، اصفهان و بغداد را فتح نمود و سپس به روسیه حمله برد و پس از فتح مسکو و غارت بسیار عزم هندوستان کرد و در آنجا نزدیک به ۱۰۰ هزار نفر را قتل عام کرد و بسیاری به بردگی گرفت و سرانجام در سال ۷۹۸ به سمرقند بازگشت . ثمره این هجوم نیز چون هجوم پیش چیزی به جز کشتار و ویرانی در بسیاری از شهرهای ایران نبود به عنوان نمونه کشتار دهشتناکی که در آمل برپا گردید را می توان اشاره کرد. اما در یورش سوم که به هفت ساله معروف است، با هدف هجوم به مغرب ایران و همچنین آسیای صغیر در سال ۸۰۲هـ.ق آغاز شد و نیروهایش به آذربایجان و گرجستان و شام و عثمانی هجوم بردند و شهرهای حمص و حلب و بیروت و صیدا و دمشق فتح گردید؛ سپس عزم چین کرد و با سپاهیانیش تا آخرین شهر مرزی هم رسید اما عجل امانش نداد. در این یورش نیز چون یورشهای پیشین بسیاری از شهرها و سرزمین ها دستخوش غارت و چپاول و کشتار و ویرانی لشگریان تیمور قرار گرفتند. از جمله به عنوان نمونه می توان شهر دمشق را اشاره کرد که به طور کامل در آتش سوخت و اموال مردمان آن غارت گردید. تاریخ مرگ او را که بر اثر زیاده روی در نوشیدن شراب روی داد را مورخان در هفدهم شعبان سال ۸۰۷هـ.ق اعلام کردند. پس از اعلام مرگ "تیمور" بسیاری افراد مرگش را باور نداشتند زیرا پیش از این، "تیمور" دوبار شایعه مرگ خویش را پراکنده بود تا بتواند دریابد که چه کسانی از به جای آوردن وصیتنامه و فرمانهای سرپیچی و نافرمانی می کنند، به گونه ای که در هر دو بار گروهی فریب خورده و در مرو دست به شورش زدند که بی درنگ همه آنان به قتل رسیدند. تیمور با اینکه مردی خونریز و بی رحم بود، ولی دوستدار دانش و هنر بود و به عالمان و هنرمندان احترام بسیار می گذاشت و حتی هنگام قتل عام یک شهر دستور می داد که از کشتن دانشمندان و فقیهان و هنرمندان خودداری کنند و بسیاری از هنرمندان و دانشمندان شهرهای فتح شده را به پایتخت خود یعنی سمرقند می آورد به هر حال مرگ او مرگ کسی بود که سرزمینهای بسیاری را فتح نموده و امپراتوری بزرگی را بنا نهاده بود.

خافی خان نظام الملکی در مورد جهانگشاییهای او چنین می نویسد :

«در فرصت سی و شش سال قمری ولایت ماوراءالنهر و خوارزم و ترکستان و عراقین و خراسان و آذربایجان و فارس و کرمان و خوزستان و دشت قباچاق و مصر و شام و اکثر بلاد روم و بعضی مرز و بوم هندوستان تا پایتخت دهلی و غیره به ضرب شمشیر جهان ستان در تصرف آن گیتی ستان آمد»

عبدالرزاق سمرقندی در یک تک بیت از جهانگشاییها و همچنین مرگ او چنین سخن می گوید :

«همه عالم چو سر به سر بگرفت **** رفت تا عالمی دگر گیرد.»

